

حس تعلق به محیط زندگی و بهزیستی زنان

علی برکاتی*، سمیه فرهادی**

چکیده

کلان‌شهر تهران، به‌رغم پیشگامی در مطالعات و اجرای برنامه‌های متعدد در زمینه‌های شهرسازی، اجتماعی و فرهنگی، با مشکلات درهم‌تنیده بسیاری در برخی نواحی و بافت‌های شهری به‌خصوص بافت اجتماعی روبه‌روست. برنامه‌ریزان و مدیران شهری در سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۶، برای حل مشکلات و حرکت به‌سوی زندگی اجتماعی مطلوب، برنامه‌های بازآفرینی شهری را در دستور کار خود قرار داده‌اند. در این برنامه‌ها، یکی از مسائلی که به آن کمتر توجه شده مسئله حس تعلق به بافت اجتماعی و کالبدی محله و آثار آن بر کیفیت زندگی است. این ویژگی اجتماعی به‌عنوان تجمع‌سازِ علاقه به محیط و تأثیرگذار بر ارتقای کیفیت زندگی محسوب می‌شود. هدف این مطالعه، بررسی عوامل مؤثر بر کاهش حس تعلق به محیط و کیفیت زندگی زنان در محله هرندی است. محله هرندی (دروازه‌غار)، واقع در منطقه ۱۲ شهر تهران، یکی از محلاتی است که با مجموعه‌ای از مسائل در ابعاد مختلف، به‌خصوص غفلت از بُعد تعلق محیطی، به‌عنوان محرک توسعه اجتماعی مواجه است.

پژوهش به‌صورت کمی و کیفی انجام شده است. نخست معیارهای حس تعلق به محیط زندگی در بین زنان و مردان و الگوی کیفیت محیط زندگی طی دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۵ در محله هرندی توصیف و استخراج شد. بر اساس اطلاعات جمع‌آوری‌شده، مهم‌ترین عوامل کاهنده حس تعلق در بین زنان در محله هرندی، ورود ناهنجاران اجتماعی، اقتصاد غیرقانونی در طیف‌های مختلف و کم‌توجهی سازمان‌های متولی به بهبود خدمات در این محله بوده است. پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزان و مدیران شهری نقش زنان در برنامه‌ها و اقدامات عملیاتی را در محلات مورد توجه ویژه قرار دهند و ارتقای کیفیت زندگی محله، امنیت محله، دسترسی به خدمات بر اساس سبک زندگی زنان و مردان در محله، نیازسنجی و توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی به‌صورت مستمر در دستور کار قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها

حس تعلق به محیط، بهزیستی زندگی زنان، محله هرندی، منطقه ۱۲ شهر تهران

Sense of Belonging to Living Environment and Women's Wellbeing

Ali Barakati
Somayeh Farhadi

Abstract

Although mega city of Tehran has been a leading city in research projects and implementation of different socio- cultural urban programs, it faces many inter-related problems in many areas, especially in its social fabrics. To cope with these problems, since 2007 urban regeneration programs have been in order for ten years. The main objective of urban planners in carrying out these programs is to move towards more desired social life in the region.

Review of regeneration programs shows; planners have neglected the sense of belonging to the living environment and its impact on quality of life. While it is an important factor, which enhances interests to the community and affects residents' quality of life.

The present paper aims at discussing factors affecting reduction of this sense in Harandi neighborhood known as Darvaze Ghar in the region 12 of Tehran. This area experiences many problems, including losing sense of belonging, which is considered a driving, force for social

development.

The research is conducted with quantitative and qualitative methods. First; criterion of sense of belonging to the living environment among women and men have been defined. Secondly, quality of life's patters in the period of 1390-1395 is described. Based on the findings, the most important factors in reducing sense of belonging among men and women of Harandi are: presence of social deviances, illegal economic activities, and negligence of responsible organizations to deliver improved services in the region. It is suggested that planners and urban managers should take into account women's role in planning and implementation of the programs. Also provision of security, accessibility of services in compliance with male and female residents' life styles, assessment of the needs and social- economic empowerment of the population should be included continuously in all programs.

Key Words

District 12 of Tehran, Harandi Neighborhood, Sense of Belonging, Women Wellbeing